



• پنج‌شنبه ۸ آذر ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۹۶

#### حدیث روز

امام حسین (ع): با گذشت‌ترین مردم، کسی است که در زمان قدرت داشتن گذشت کند.

الدرة الباهرة

ذکر روز پنج‌شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملك

الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی

محمد وآل محمد»

#### در محضر بزرگان

### مراقب اعمال خود باشیم

استاد فاطمی نیامی گویند:

خداوند می فرماید: «ان ربک لبالمصاد» حقا که پروردگار تو در کمینگاه ستمکاران است. مرصاد فقط برای فرعون وامثال او نیست، بلکه هر کس دارای مرصاد است، حتی نماز شب‌خوان هم دارای مرصاد است! صاحب‌دلی فرمود: «ان ربک لبالمصاد» از کنار تخت فرعون شروع می شود تا کنار سجاده آدم می آید. یعنی گوشمالی و تادیب یعقاب خداوند دارای مراتب است؛ برای هر کس به تناسب خودش؛ مثلا نماز شب‌خوان اگر عُجب پیدا کند، برای نماز شب بیدار نمی‌شود یا آن‌حال را از او می‌گیرند.

**کانال رسمی آیت... فاطمی نیا**

#### حکایت

## منت بقال

بقالی از درویشی مبلغی طلب داشت و هر روز به او یادآوری می کرد. روزی در حضور مردم بقال با صدای بلند پول را طلب کرد. درویش از مردی حکیم که در جمع حاضر بود، کمک خواست. حکیم پاسخ داد: «تو باید شکم خود را به خوراک وعده‌می‌دادی تا امروز بدهکار چنین کسی نباشی؛ زیرا گفته‌اند: نفس را به طعام وعده دادن، آسان‌تر است که بقال را به درم.»

به تمنای گوشت مُردن به

که تقاضای زشت قصابان

**بر گرفته از گلستان سعدی**

#### قرار مدار



#### اندکی صبر

## گذشت

**هادی خسروی پور**

ما گذشتیم و گذشت

آن چه تو با ما کردی

مطمئن باش و برو

ضر بهات کاری بود

دل من سخت شکست

و چه زشت

به من و سادگی‌ام خندیدی

به من و عشقی پاک

که پر از یاد تو بود

#### دنیا به روایت تصویر



**ای پی‌ای** | گریم‌دانش‌آموزان هندی در کارزار حرکت برای هندوستان پاک

#### فتوشعرانتظار



#### باخانمان

### مهمانی نرو تیرین‌ها

**زهرافرنیا** | طنزپرداز

مهمونی رفتن توی خونه ما به جای این که به تفریح باشه، به پروژه عظیم و فرسایشیه. از لحظه‌ای که میزبان زنگ می‌زنه که دعوت‌مون کنه تا لحظه‌ای که به سلامت به مقصد برسیم، همه چندین سال پیر می‌شیم.
**حالت اول:** تماس گرفته می‌شه و مامان می‌گه: «خاله منیرم اینا برای پنج‌شنبه شب ما رو دعوت کردن خونه‌شون» بابا: «من اصلا از خالته خوشم نیامید» عملیات مهمونی در همین مرحله با شکست مواجه می‌شه.
**حالت دوم:** تماس گرفته می‌شه و مامان پشت تلفن می‌گه: «والا ای ما که خیلی دوست داریم بیاییم ولی حقیقتش به خرده بچه‌ها مریضن. ایشالا به فرصت دیگه» و ناگفته‌واضحه خاله‌نرگس بابا پشت تلفن بوده و مامان به‌عنوان عمل متقابل و این که عدالت بین خاله‌ها برقرار بشه، این مهمونی رو کنسل کرده.
**حالت سوم:** دایی فرخ اینا زنگ می‌زنن و برای جمعه شب شام دعوت می‌کنن. اول این که مطمئن نیستیم بالاخره شب جمعه‌ست یا جمعه‌شبه؟ بعد از سه بار زنگ زدن و مطمئن شدن که جمعه‌شبه، بحث تمام نشدنی‌ای در می‌گیره که جمعه شب یعنی جمعه‌شده شبش باشه یا شبه، قرار ه جمعه‌شبه؟ چون به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم، دور بودن خونه دایی فرخ اینا رو به‌ونه می‌کنیم و نمی‌ریم.

**حالت چهارم:** دختر دایی طیبه مامان چون ما رو خیلی دوست داره، زنگ می‌زنه و دعوت‌مون می‌کنه. چرا ما رو دوست داره؟ چون به نظر خودش به‌پسر دسته گل داره که می‌تونه بین من و خواهرم، یکی مون رو انتخاب کنه. چه جوری؟ این جور ی که بعد از شام همه ظرف‌ها رو می‌ده ما بشوریم و به هر کی که بهتر و سریع‌تر بشوره به چشکم می‌زنه می‌گه: «عروس خودمی... فعلا که جفت‌مون مجردیم و دیگه پامون رو توی اون خونه نمی‌ذاریم. این مهمونی هم نرفتنی می‌شه.
**حالت پنجم:** عمه فرحناز بابا زنگ می‌زنه. هم مهمونی به جای جمعه شب، شب جمعه‌ست، هم خونه‌شون نزدیکه، هم تابستونه و خبری از سرماخوردگی و درس نیست. هم مشکل چی بپوشم حل شده. اما باز نمی‌ریم. چرا؟ چون عمه فرحناز دست پختش خوب نیست. ما این همه راه نمی‌ریم مهمونی که شما دست‌پخت‌تون بد باشه. ولی واقعا برامون سواله چرا هیچ کس خونه ما مهمونی نمیدار. استشو بگیریم. مشکل‌تون با ما چیه؟ به خونه‌ها ما حسودی‌تون می‌شه؟

#### پرونده‌های مجهول

**میترا اتاری** | مترجم

در مناطق وحشی ایالت و اشنگتن، چاهی وجود دارد که به چاه شیطان معروف است. هر چند این پدیده جغرافیایی عجیب سال‌ها و حتی قرن‌ها در این منطقه است اما از سال ۱۹۹۷ خبرنگار روزنامه محلی با انتشار گزارشی عجیب از این چاه، آن را به مردم دنیا شناساند. این چاه در داخل ملکی قدیمی قرار دارد و با نزدیک شدن به آن ترس و دلهره عجیبی مردم را فرا می‌گیرد. حیوانات هم به هیچ وجه نزدیک آن نمی‌شوند. ساکنان این منطقه و صاحب آن در سال ۱۹۹۷ ادعا کردند که این چاه عجیب در منطقه «ماناستاش‌ریج» انهداندار دو آن‌ها سال‌هاست که همه وسیله‌های دست دوم و کهنه خود از قبیل یخچال و تلویزیون و حتی لاشه حیوانات را به درون آن می‌اندازند اما هیچ صدایی از بر خورد آن لوازم با کف زمین نشنیده‌اند.



**فرانس پرس** | کتابخانه‌ای تاریخی، برزیل

#### تاپختد

• **ولی خالق** باب اسفنجی همون روزی مُرد که سوشا اون شلوار زده رو پاش کرد!
• شما یادتون نمیداد کل سال منتظر روز جهانی کودک و تلویزیون بودیم که به صبح تا شب فقط کارتون ببینیم. حالا کانال مخصوص کودک و نوجوان راه انداختن!
• می‌خواستیم برم بازار خرید کنم، سوار مترو شدم، وسط‌های راه خریدم تموم شد برگشتم!
• قبلا جلوی ویترین نمایشگاه‌های خودرو و ایمیستادیم و حسرت می‌خوردیم... الان جلوی ویترین کفش فروشی و لباس فروشی‌ها!
• دنیا پُر از آدم‌هاییه که تا ده دقیقه دیگه اینجان ولی یک‌ساعته هنوز نرسیدن!
• هر جوان ایرانی حداقل یک بار با خودش فکر کرده که چرا این‌نون ساندویچی‌ها که سر صبح می‌دارن جلوی ساندویچی‌ها رو کسی نمی‌دزده!
• دیدم نونوایی خلوته، انتقام تمام روزهایی که صفش شلوغ بود رو گرفتم. ۱۵ تا سنگ از سنگگی گرفتم. ۱۰ تا هم تافتون از روبه‌رویش. شاطره گفت داداش خریبه؟ قراره قحطی بیاده به سلامتی؟!

#### دور دنیا

## تشخیص اشتباه سرطان



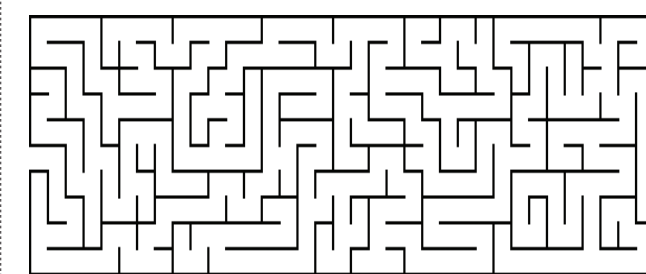
از پزشکان، بعد از پنج سال مشخص شده که تشخیص همه اشتباه بوده و همه آن درمان‌های گران و آسیب‌زایی مورد بوده‌است. این مرد هیچ‌گاه مبتلا به سرطان نبوده و فقط یک غده چربی کوچک در زیر بغل داشته که حالا کاملا محوشده‌است!

### ماسک‌های فرا واقعی

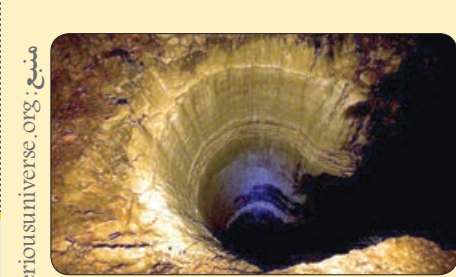


است که در ماسک‌های تولیدی کوچک‌ترین جزئیات صورت فرد تا حد رگ‌های خونی چشم و چین و چروک‌ها را هم بازسازی می‌کند. این صورتک‌ها کاربردهای زیادی دارد شامل آموزش به نرم‌افزارها درباره ویژگی‌های انسان، الگوریتم‌های تشخیص‌چهره، سنسورهای امنیتی و... مثلاً یک شرکت خودروسازی ماسک‌های در حال خوابی سفارش داده‌است تا آن‌را برای آموزش شناسایی راننده در حال چرت‌زدن به سیستمش استفاده کند. (چندروزپیش عکس طراح این ماسک‌ها در ستون «دنیا به روایت تصویر» منتشر کردیم)

#### مارپیچ(سختی ۶۰٪)



## چاهی که توسط فضایی‌ها ساخته شده‌است!



منبع: mysteriousuniverse.org

ارتش آمریکا برای بررسی منطقه به ملک او آمدند. کمی بعد این منطقه عجیب در دست ارتش آمریکا قرار گرفت و حتی صاحبش هم حق ورود به آن را نداشت. روز ۲۸ ژوئن سال ۲۰۱۱ نامه‌ای از واترز به صورت آن لاین منتشر شد که تاکید می‌کرد تمام حرف‌هایش درباره چاه شیطان و اتفاقات آن عین حقیقت بوده‌است، ولی دولت آمریکا دوست نداشت حرفی از آن زده‌شود. این داستان هنوز هم به صورت رازی سر به مهر باقی مانده‌است.



**رویترا** | جشنواره قایق‌های بلند، کامبوج

#### تفال

جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب

که وضع مهر و وفا نیست روی زیبارا

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ

سرود زهره به رقص آورد مسیحارا

#### کله‌چفونی

## آق کمال حال خوب می‌کند



**آق کمال** | همه کاره و هیچ کاره

یادانه او هفته گفتم عیال هوس خرید کرده بود؟ بعد ور خاستم هلک و تلک رفتم بازار، ولی به جای‌ای که خرید کنم، از وضعیت گیرونی و کساد۱ بازار و بیکاری کاسبا افسردگی گرفتم و دست از پا دراز تر برگشتم خانه. عیال که دید حال مو خرابه گفت: «حالا عیب نداره، دورز دیگه جمعه سیاهه، اونجا جبران می‌کنیم!» نمودم با خودش چی فکر کرده بود؟ خیال میکرد موا۱ی که نتنسته خرید کنه ناراحتم! در حالی که مو دلم بری مردم و خودم موسوخت. خشکی بالا نیارو دم و خیلی طبیعی گفتم: «خدا خیرت بده، مگه جمعه سیاه بتنه‌ای حال خراب موره سر جاش بیره! حالا کی هست؟ مُغازه‌آرزون فروشی دره؟ تانا کورا انیشه که مو اهلش نیستم‌ها! یا از اینایه که خودش از او بر مرز جنس قاچاق میاره و نصف قیمت مده ولی گارانتی و جعبه‌بندره و اسمش جمعه‌یه و چون رنگ پوستش سبزیه بهش مگن جمعه سیاه؟!» عیال همی جور مات بهم نگاه کرد و گفت: «یعنی واقعا نمی‌دونی بلک فرایدی چیه یا داری ادا درمیاری؟» ای دفعه واقعا داشتم ادا در نمی‌آوردم و نمودنستم منظور ش‌چیه. گفتم: «به جان تو... نه، به جان خودم ای جمعه سیاهه ره نمشناشم! پس خارجی سیاه‌پوسته که بهش مگن بلک؟» خندید و گفت: «خجالت بکش! جمعه سیاه همون روزه‌یه که همه جای دنیا فروشگاه‌ها حراج می‌دارن و تخفیف آن‌چنانی میدن و مردم برای خرید از سر و کول هم بالا می‌برن. بذار برسه، حسابی از خجالتش درمیایم!» انا حالا خوب رفتم!

دوروز بعد جمعه بودو عیال از ساعت ۱۲ شب جمعه گوشی و لپ‌تاپ به دست نشسته بود هی دکمه فشار میداد و هی غر می‌زد. گویا سایت‌هایی که مخواست خرید کنه اصلا بالا نمی‌آمدن، چه برسه که بشه خرید تخفیفی کرد. خلاصه جمعه ظهر با اعصاب داغون گفت: «این که نشد... اصلا نخواستم! پاشو تا هوا تاریک نشده بریم کوهسنگی تو برگ‌ها راه بریم، یک کم عکس بگیریم بلکه حالم بیاد سر جاش!» یعنی خدا موره خیلی دوست دشته که همچی فرشته‌ای سر راهم گذاشته که به جای خرید کردن، حالش با عکس گیر یفتن با چهار تا برگ زرد هم خوب مره! گفتم: «نوکر تایم هستم! اصلا مخوا۱ی به مسودو عیالش هم خبر بدم تا هار مانه و در دارم برم تو پارک بخورم؟» یک‌نگاهی کرد و گفت: «تو این هوا۱ی سرد؟ لازم نکرده... این قدر شوری نخور، فشار خونت میره بالا!» یعنی هم تا از ش تعریف مکتم، مرته تو ذوقم! خدا ره شکر ای دفعه هم به خیر گذشت. ایم از ای.

#### مسابقه این‌کیه

### پروفوسورها جواب بدن!

سلام. این هفته به چهره ورزشی داریم که مدتیبه در صدر خبرها قرار داره. بیشتر از این از ش تعریف نمی‌کنیم تا متهم به جانبداری نشیم! شما باید تشخیص بدین این کاریکاتور به هم‌ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون، به همراه کلمه «این‌کیه» تا شنبه شب برای ما به‌شماره ۲۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو دوشنبه همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو پنج‌شنبه هفته بعد چاپ می‌کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید، همسر خانم سیما کر می‌برنده مسابقه قبلی هستن که دوباره بهشون تبریک می‌گیم.



#### ماوشما

**راه‌ارتباطی با ما:** پیامک ۲۰۰۹۹۹ و تلگرام ۹۴۵۷۶۳۹۴۳۵۰۹

\* **محبان** چان ۸ آذر روز شگفتنت را تبریک می‌گیم.
\* **چرا** مسابقه «چی می‌گه» را بر گزار نکردید؟!
\* **ماوشما:** به دلیل چندروز تعطیلی برنامه‌های صفحه کمی شلوغ شده بود، هفته دیگه به امید خدا مسابقه خواهیم داشت.
\* **پدرم** ماه بود، بی نظیر بود، حرف نداشت، دوست و فامیل عاشقش بودند، مهربان و دوست داشتنی بود، ولی حیف زود رفت. برای ما بابا همیشه باباست! **معصومه صیامی**
\* **آق کمال:** اگه به روزی طناب مفتی رو یافتم با اون چیکار کنم؟!
\* **آق کمال:** باهاش جلقه بیافن!
\* **فهمیه‌جان،** همسر عزیزم دوست دارم. همیشه کنار بمون. **محمود**

تصویر سازی ها: سعید مرادی